

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ فبروری ۲۰۲۳

حاشا نکنید!

شما به زباله تاریخ ایران در اردو کشی های ناتو وکالت دادید

اگر کمی با جستجوگر در فضای مجازی پرسه بزنید می بینید در زمینه حفظ محیط زیست اسناد بسیاری قابل دسترسی هستند. آنها توصیه می کنند، اگر شهروند مسئولیت پذیری هستید و به محیط زیست اهمیت می دهید، تفکیک زباله و بازیافت را باید جدی بگیرید. در دانش زباله شناسی از جمله نوشته اند: زباله، اشیاء و موادی است که دیگر مورد استفاده قرار نمی گیرند و بدون استفاده هستند. زباله هر چیزی است که بعد از استفاده اولیه، دور انداخته می شود یا ارزش اولیه را ندارد. برخی از انواع زباله ها هرگز نمی توانند به هیچ وجه مورد استفاده قرار گیرند و به این جهت این زباله ها نیازی به تفکیک قبلی نیز ندارند و می توانند در سطوح های عادی زباله ریخته شوند. این زباله ها به جایگاه های ویژه منتقل می شوند و بدون بازیافت، دفع می شوند.

از این زمره هستند زباله دودمان پهلوی که در انقلاب ۱۳۵۷ به زباله های تاریخ افکنده شد و پاره های وطن فروش در اردو کشی ناتو در برلین تحت شعار «زن، زندگی، آزادی» با وی بیعت کردند. بازیافتی زباله از زباله دانی تاریخ ایران تلاش همه وطن فروشان است. پس به زباله بازیافتی وکالت ندهید.

اخیراً کارزاری که کارش بسیار زار است راه افتاده و به رضا پهلوی وکالت می دهد که به نام نماینده مردم ایران در مجامع بین المللی برای تحریکات علیه ایران، برای تحریم مردم ایران، قراردادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی ممالک تروریستی و اخاذی رسمی از دول دوستش شرکت فعال کند. البته این وکالت جنبه رسمی ندارد و در هیچ محضر ملی ایرانی و یا توسط یک همه پرسی قانونی و ملی به تصویب نرسیده است. اما سلطنت طلبی که از گور تاریخ ارواح را احضار می کند با این سخنان «تشریفاتی» چه کار.

شخص رضا پهلوی با نمایشات تاکنونی مسخره و متضادش، به همان سنتی توسل می جوید که موکلان نیاکانش در مورد پدر بزرگ و پدرش به آن متوسل شده و وکالت خیانت و وطن فروشی و غارت ایران را به آنها دادند. با همین روش حدود نیم قرن در ایران به منزله گماشته های اجنبی بر سر کار بودند و ایران را بر باد دادند تا اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران در یک انقلاب عظیم که بزرگترین انقلاب تاریخ بشریت از جنبه شرکت مردم در آن است، این حکومت را برای همیشه منقرض نمودند و رأی به پایان سلطنت و پادشاهی که هنرش فقط در فعالیت جنسی و تولید خویشاوندی خونی است، دادند. این رأی اکثریت شکننده مردم ایران که بیان سه نسل نارضائی از این دودمان فاسد و راهزن بود

برای این عده اعتباری ندارد، ولی وکالت تبلیغاتی فضای مجازی که در این اواخر میداندار اعتراضات مصادره شده در ایران بود برایشان دارای اعتبار عظیم است. این وکالت را افراد با «اعتباری» نظیر علی کریمی که فوتبالیست تیم حکومتی؟! ایران بود، معصومه علینژاد قمیکلا، سعودی انترنشنال، من و تو، رادیو فردا و زمانه، حامد اسماعیلیون و مشتکی سلبریتی همدست ارتجاع جهانی و ضدایرانی به وی داده‌اند.

به یاد بیاوریم که این کارزار کنونی زمانی به راه افتاده است که میان متحدان اردوکنشی ناتو در برلین، پاریس، فرانسه ستنکلم، تورنتو، واشنگتن و... اختلاف ایجاد شد. گروه فرقه تروریست رجوی، با نسل سوم سلطنت‌طلبان که تاریخ کشور خود را نخوانده‌اند به سر و کول هم پریدند و بر سر کسب رهبری و اعتبار مالی ناشی از این تبلیغات و ادعاها به جان هم افتادند. یکی مدعی بود که زنان مجاهد از مردان جدا نشسته و حجاب اسلامی حمل می‌کنند و در ظرف «زن، زندگی، آزادی» که مظهر «انقلاب فمینیستی» آنها بود نمی‌گنجند، دیگری مدعی بود که دودمان پهلوی قاتل، تروریست، دزد بوده، دستش به خون مجاهدین آغشته است و باید در یک دادگاه عدالت‌خواه در سویدن محاکمه شود و جایش در ظرف «زن، زندگی، آزادی» نیست. تجزیه‌طلبان که تنها تجزیه ایران برایشان مهم است و به همین جهت نیز با اسرائیلی‌های بارزانی همدستی می‌کنند و دشمن موجودیت ایران هستند، با شعار «زن، زندگی، آزادی» ندا در دادند که ما مخالف ارتش «اشغالگر» ایران در کردستان هستیم و این در حالی است که آنها با ارتش اشغالگر امریکا در سوریه در زیر شعار «زن، زندگی، آزادی» دست در دست هم علیه تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه به خرابکاری مشغولند و مردم عرب را قتل عام می‌کنند. آنها از همه ایرانیان و سایر تجزیه‌طلبان ضدایرانی گرگ‌های خاکستری و یا عرب و بلوچ درخواست نمودند یک صدا از «ارتش آزادی‌بخش کردستان» برای جدائی از ایران حمایت کنند. شعار آنها این بود: مجاهد، سلطنت‌طلب از ما حمایت کنید که یکی از ستون‌های اساسی اردوکنشی ناتو در برلین بودیم.

چپ مستاصل و سرافکنده، ثواب با شعار «زن، زندگی، آزادی» و «همه با هم» معتقد بود اختلافات به جای خود، ولی باید با صف مستقل زیر پرچم و شعارها و خواست‌های سیاسی حامد اسماعیلیون، تجزیه‌طلبان، فرقه رجوی، با یاری سبزه‌های المان، اوکرائینی‌های نازی، اسرائیلی‌های صهیونیست، امریکائی‌های تجاوزگر و گرگ‌های خاکستری و... تجمع کرد و با نفی نفاق و تمجید وحدت، کار رژیم جمهوری اسلامی را یکسره کرد و چنان فشاری به آنها وارد آورد که دو دستی ایران را به امریکا و اسرائیل تقدیم کنند. این عده کمونیست نیستند بلکه چپ‌نمائی هستند که کمونیست‌ها را بد نام کرده و نقش کاتالیزاتور را برای ارتجاع بازی می‌کنند. آنها تئوری‌پردازان خیانت ملی‌اند.

در اردوکنشی ناتو در برلین که به رهبری موفق و تمام عیار سلطنت‌طلبان و حمایت همه‌جانبه امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم المان برگزار شد شرکت‌کنندگان یک صدا وکالت رهبری و مبارزه برای براندازی جمهوری اسلامی را به رضا پهلوی تقدیم کردند. این است که این تئاتر مضحک کنونی و داد و تشرها به یک دیگر، برای کسی قابل فهم نیست که چرا عده‌ای هوادار وکالت به رضاپهلوی شده و عده‌ای منکر این وکالت بوده و می‌خواهند با جر زدن وکالت خود را پس بگیرند.

رضا پهلوی بعد از اردوکنشی ناتو در برلین همان رضا پهلوی قبل از این اردوکنشی است و در برلین هم با وکالت از طرف «زن، زندگی، آزادی» و رهبری جبهه اپوزیسیون شرکت کرد و خواهان ادامه تحریم، تجزیه ایران، تجاوز به ایران بستن نمایندگی‌های ایران در خارج، نفی حق مسلم ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و قراردادن سپاه پاسداران - که یک رکن اساسی امنیت و ارتش ایران به شمار می‌آید - در لیست تروریستی ممالک تروریستی شدند و... در این اردوکنشی کوچکترین اعتراضی نسبت به آن پرچم‌ها، شعارها، خواست‌ها و رهبران این کارزار نبود، به عکس از آنها نیز حمایت می‌کردند. همجنس‌گرایان و دگرباشان همانقدر از این تماس‌ها و اتحاد متمتع شدند که فرقه رجوی،

سلطنت‌طلبان، نازی‌های اوکراین، چپ‌نماها و تجزیه‌طلبان. حال که نتیجه این خیانت معلوم شده هر گروهی می‌خواهد ننگ این همکاری را به گردن دیگری بگذارد. رضا پهلوی و کالتش را از همان زمان اردو کشی ناتو در برلین از این گروه‌ها به دست آورد.

البته رضا پهلوی بارها مدعی شده است که قصد ندارد شاه شود، این مردم هستند که باید انتخاب کنند آیا شاه می‌خواهند و یا طالب جمهوری‌اند. وی در مقابل دوربین‌های دستوری و تبلیغاتی اربابانش رنگ دموکراسی به خود می‌گیرد و خواهان دولت انتقالی می‌شود. وی رأی مردم را در انقلاب ۱۳۵۷ قبول ندارد و معتقد است آنقدر باید رأی گرفت تا دموکراسی سلطنتی تأیید شود. مثنی کودکان سیاسی نیز در میان اپوزیسیون این خزعلات را پذیرفتند و مرتب به آن استناد می‌کنند حال آن که در عرصه سیاست این زور است که حرف آخر را می‌زند. اگر رضا پهلوی سوار بر عده‌ای که آنها را تعلیف کرده و فریب داده، قادر شود به یاری ارتجاع منطقه و جهانی در ایران جای پائی باز کند، لحن خود را فوراً تغییر خواهد داد، شمشیر را از رو خواهد بست و مدعی خواهد شد که حالا که مردم وی را می‌خواهند نمی‌تواند مستبدانه به ضد خواست دموکراتیک مردم عمل کند و لذا فروتنانه شاهنشاهی ایران را می‌پذیرد و مخالفان را که همه مستبد و ضد مردمی هستند به طناب دار خواهد آویخت. این رضا پهلوی و پیروانش همان کسانی هستند که دشنام می‌دادند عبارات مسهجن و رکیک به کار می‌بردند، به روش داعش، به مخالفان و وابستگان ادعائی به جمهوری اسلامی حمله می‌کردند که ما نمونه‌های وحشتناک و شنیع آن را در لندن مشاهده کردیم. ولی این متحدان دیروزی در تمام این مدت و در تمام این زمینه‌ها، سکوت کرده بودند و به وکیل خود اعتراض نداشتند. این عده همان کسانی هستند که با شعار بی‌دورنما و کور «همه با هم»، مهم حال است و نه آینده یک بار در ایران فاجعه آفریدند و مردم ایران نباید امروز فریب این عده به ویژه چپ‌نماهای بی‌دورنما، سردرگم، پرمدها، غوطه‌ور در چشم و هم‌چشمی‌های سیاسی را بخورند. ایران زنده می‌ماند و همه دشمنان داخلی و خارجی ایران، بدنام در نزد زحمتکشان، زحمت را از این دنیا کم خواهند کرد.

نقل از توفان ارگان مرکزی حزب کارایران شماره ۲۷۶

<https://telegram.me/totoufan>

www.toufan.org